

Matin Research Journal

Journal of The Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution

Volume 25, Issue 100, Fall 2023

**A Review of Imam Khomeini's Mystical Views on Spiritual Self-Enlightenment
and Principles, Its Necessity and Obstacles**

Ailar Maleki¹

DOI: [10.22034/MATIN.2023.238647.1717](https://doi.org/10.22034/MATIN.2023.238647.1717)

Abstract

Research Paper

Imam Khomeini does not primarily consider man an actuality and describes him as an infinite creature that manifests his existential perfection by actualizing potential humanity. Until before contamination by material world, human nature was bright, and actualizing humanity means returning to human inborn nature and essence. In this research study, "spiritual self-enlightenment" means achieving first purity that leads to the renewal of human life. Self-enlightenment requires turning away from carnal desires and transitioning from carnal and non-divine life to divine and pure spiritual life. Imam Khomeini has argued this process in different ways. The starting point of self-enlightenment is the "self" of the seeker. This self, when conforms to the model of the original nature, will be an exalted and divine self that will have intrapersonal and extra personal fruits. Achieving this excellence is necessary in order to be similar to the Creator and achieve divine ethics. However, there are also obstacles in achieving these degrees that will be examined in this study.

Keywords: Imam Khomeini, self-enlightenment, human nature, actuality, spiritual perfection.

1. PhD (Islamic Mysticism), Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, Iran. Email: ailarmaleki0000@gmail.com

بررسی دیدگاه‌های عرفانی امام خمینی (ره) در باب خودسازی: اصول، عناصر، ضرورت و موانع آن

آیلار ملکی^۱

DOI:10.22034/MATIN.2023.238647.1717

مقاله پژوهشی

چکیده: امام خمینی انسان را از آغاز، انسان بالفعل نمی‌داند؛ بلکه او را موجودی بی‌نهایت توصیف می‌کند که با فعلیت بخشیدن به انسانیت بالقوه، کمال وجودی خود را حاصل می‌کند. فطرت انسان تا پیش از آلوده شدن به احکام طبیعت، نورانی بوده و فعلیت‌بخشی به انسانیت، به منزله بازگشت به فطرت اصیل است. آنچه در این مقاله با عنوان «خودسازی» مطرح می‌شود به معنی حصول پاکی نخستین است که ولادت ثانویه انسان را در پی دارد. خودسازی مستلزم اعراض از مشتبهات نفسانی و انتقال از حیات نفسانی و غیر الهی به حیات الهی و وجه ربانی است. این فرایند به بیان مختلف در آرای امام خمینی مورد بحث قرار گرفته است. نقطه آغاز خودسازی، «خویشتن» سالک است این خویشتن، وقتی منطبق با الگوی فطرت اصیل شد، خودی تعالی یافته و الهی خواهد بود که ثمرات درون فردی و برون فردی به دنبال خواهد داشت. حصول این تعالی از حیث تشبه به خالق و تخلق به اخلاق الهی ضرورت دارد؛ اما در نیل به این درجات موانعی نیز وجود دارد که در این مقاله بررسی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، خودسازی، فطرت، فعلیت، کمال.

۱. دکتری عرفان اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران
E-mail: ailarmaleki0000@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۶

پژوهشنامه متین / سال بیست و پنجم / شماره صد / پاییز ۱۴۰۲ / صص ۸۷-۱۱۱

مقدمه

«سیر الی الله» که در عرفان اسلامی اصلی مهم تلقی می‌شود، اشاره به فرایند «خودسازی» دارد. آغاز این سیر، از خود انسان است و این «خود»، در تعبیر عرفا و به‌ویژه امام خمینی با عنوان «انانیت» یاد می‌شود. با توجه به اینکه مقصد سیر عارف «الله» و «هویت الهیه» است، «انانیت» و آن «خویشتنی» که سالک، سیر الی اللهی خود را بنا به قول امام خمینی «با پای نهادن بر فرق» آن آغاز می‌کند تعبیری از وجه نفسانی و غیر مهذب «خود» خواهد بود. اینکه در عرفان، به انحای مختلف بر لزوم «خودسازی» تأکید می‌شود اشاره به این دارد که تهی نمودن خویشتن نفسانی از عناصر غیر الهی یک ضرورت است.

بحث خودسازی در منابع مختلف اسلامی اعم از روایات و احادیث و اخلاق موردتوجه قرار گرفته است. پژوهش‌های عدیده‌ای نیز در قالب اخلاق و به‌ویژه عرفان، به این امر اختصاص یافته و کثرت این توجه نشان از اهمیت تهذیب نفس در حوزه‌های یادشده دارد؛ اما مبحث «خودسازی» که در قالب تهذیب نفس، تزکیه، ولادت ثانویه و امثال این‌ها نیز ارائه می‌شود بیشتر صبغه عرفانی داشته و در این حوزه ذیل عناوین مذکور، تبیین می‌شود. اهمیت ارائه پژوهشی با این عنوان که مکرر به بحث کشیده شده است از چند حیث قابل توجه است:

۱. هر تحقیقی خوانشی جدید است که انحصاراً حاصل تراوش ذهنی مستقل است؛ ۲. تکرار تحقیقاتی که حول محور موضوعی واحد می‌چرخند تأکیدی بر اهمیت موضوع است و فاقد اثرگذاری در وهله اول بر ذهن و روان نویسنده و در درجه بعد بر پیکره باور جامعه و دیگران نخواهد بود؛ ۳. بازتاب‌های سازنده درون فردی و برون فردی «خودسازی» را نمی‌توان نادیده گرفت؛ ۴. بحث در باب آرا و افکار هر اندیشمندی - و لو در باب موضوعی که به کرات به بحث کشیده شده است - به‌منزله بهره‌گیری از محصول فکری ذهنی دیگر است که می‌تواند مخاطبان خود را داشته و برای آن‌ها سازنده و مفید باشد.

در این مقال که به بررسی «خودسازی» و جوانب مربوط به آن از دیدگاه امام خمینی می‌پردازد، خوانشی از موضوع را داریم که در بستر فکر عرفانی ایشان با تأثیرپذیری از آیات و روایات و سایر منابع، پرورده شده و به مخاطبان ارائه می‌شود. آرای امام خمینی به‌ویژه آثار عرفانی وی، به انحای مختلف سر از مبحث «خودسازی» درآورده و آثار و افکار ایشان در حوزه‌های مرتبط را آثاری معرفی می‌کند که در پی ارائه طرحی عرفانی برای سلوک و

خودسازی است. در این طرح به‌صراحت می‌توان پاسخ این سؤال‌ها را یافت که ضرورت خودسازی چیست و راه‌ها و موانع نیل به آن کدام است؟ به‌یقین بررسی بازتاب‌های نیل به خود الهی که با طی نمودن مسیرهای خودسازی حاصل می‌شود نیز درخور توجه است که اشاره خواهد شد.

۱. پیشینه تحقیق

در ارتباط با خودسازی از منظر امام خمینی، تحقیقات زیادی، به‌ویژه در قالب مقالات علمی - پژوهشی، صورت نگرفته است؛ اما می‌توان به تألیفاتی برخورد که ذیلاً به چند نمونه اشاره می‌شود:

مقاله «خودسازی از نگاه امام خمینی و جمعی از عرفا» (۱۳۸۴) از یاسر جهانی پور که در این مقاله اقوال امام و برخی عرفا در باب خودسازی و راه‌ها و موانع آن نقل شده و تحلیل‌هایی بر هر یک نوشته شده؛ اما در پژوهش حاضر به‌طور انحصاری به آرای امام و رویکرد تحلیلی از اقوال ایشان پرداخته شده است.

همچنین «تزکیه و خودسازی از نگاه امام خمینی^(ع)» از مجید پازوکی که این مقاله اساساً به‌صورت مصاحبه و گفتگو بوده و علمی - پژوهشی نیست.

در قالب پایان‌نامه نیز می‌توان به پایان‌نامه «بررسی تهذیب نفس و روش خودسازی از منظر امام خمینی^(ع)» از زهره درخشان (۱۳۹۳) اشاره کرد که در این تألیف نیز نفس، تزکیه نفس و مسئله جهاد اکبر از منظر امام به‌طور مفصل مورد پژوهش قرار گرفته. با توجه به اینکه بازنگری علمی در حول یک موضوع همواره امری مجاز است و هر نویسنده‌ای می‌تواند از زاویه نگاه خویش به موضوعی که دیگران نیز پرداخته‌اند بپردازد؛ لذا مقاله حاضر ضمن اینکه نگاه جدیدی به موضوع مورد بحث است از اختصار و همچنین امتیاز علمی - پژوهشی بودن برخوردار است.

کتاب خود مدیریتی و خودسازی در اندیشه امام خمینی از عزت الله فرشادفر (۹۷۳۱) نیز قابل ذکر است. مؤلف، امر خودسازی و جهاد سازندگی نفس را از منظر امام خمینی بررسی می‌کند و می‌توان گفت مباحث کتاب بیشتر صبغه اخلاقی دارد. درحالی که در این پژوهش بر صبغه عرفانی خودسازی از دیدگاه امام خمینی تأکید شده است.

۲. تعریف خودسازی بر اساس آرای امام خمینی

در آثار مختلف امام خمینی به تعبیری همچون: «سیر کمالی»، «فعلیت قوه کامله انسانی»، «استکمال انسانی» و «کمال وجودی» برمی خوریم که ناظر به «تبدیل نشئه» هستند. این عبارات به مرحله یا مراحل اشاری دارند که طی آن آدمی به تدریج در جهت آنچه «ولادت ثانویه» نامیده می شود (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۷۷، صص. ۵۱، ۱۵۳؛ ۱۳۷۵، صص. ۱۶۹، ۴۸۵؛ اردبیلی، ۱۳۸۵، ج ۳، صص. ۱۶۹، ۱۵۴) پیش می رود؛ مقصود از ولادت ثانویه، «ولادت انسانی» است که دلالت بر ساخته شدن فرد، مطابق با غایت یا غایاتی دارد.

«خودسازی» سیر تزکیه و اصلاح نفس است^۱ که به تدریج تبدیل نشئه را در پی دارد. نقش «فرد»، در این سیر تکاملی بسیار مهم بوده و در حقیقت به عنوان تعیین کننده نهایی در مسیر به فعلیت رساندن انسانیت بالقوه مطرح است. از منظر عرفان، آدمی همچون مسافری است که از نشئه طبیعت به نشئه مافوق طبیعت سفر می کند. مرتبه طبیعت، نشئه‌ای نازل محسوب شده و هر نوع پایبندی و تعلق به آن، مانع این سیر استکمالی به شمار می رود. اگر این ولادت به وقوع نپیوندد تمایزی میان انسان و حیوان نخواهد بود؛ چون انسانیت، بالقوه بوده و تا زمانی که فعلیت نیابد آدمی محدود به بُعد حیوانی است. درحالی که ولادت ثانویه ناظر به تبدیل نشئه است؛ بدین معنی که جهت معنویت را در آدمی محقق می سازد. امام خمینی این جهت را سبب امتیاز انسان از سایر حیوانات به شمار می آورد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰، صص. ۲۴۵). تلاش برای بازگشت به چنین فطرتی، مقصود اصلی از خودسازی است؛ و ابزاری که در جهت ترقی و تکامل انسان در اختیار او قرار دارد به منظور حصول چنین مرتبه‌ای است.

اگر این ولادت به وقوع نپیوندد تمایزی میان انسان و حیوان نخواهد بود؛ چون انسانیت، بالقوه بوده و تا زمانی که فعلیت نیابد آدمی محدود به بُعد حیوانی است. درحالی که ولادت ثانویه ناظر به تبدیل نشئه است؛ بدین معنی که جهت معنویت را در آدمی محقق می سازد. امام خمینی این جهت را سبب امتیاز انسان از سایر حیوانات به شمار می آورد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰، صص. ۲۴۵). تلاش برای بازگشت به چنین فطرتی، مقصود اصلی از خودسازی است؛ و ابزاری که در جهت ترقی و تکامل انسان در اختیار او قرار دارد به منظور حصول چنین مرتبه‌ای است.

۱. خودسازی، تنها در تزکیه و اصلاح نفس خلاصه نمی شود.

توجه و تعلق نفس به امور مادی مانع این می‌شود که انسانیت به فعلیت برسد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۲۶۷): بنابراین از منظر ایشان «تعدیل قوای نفسانیه که غایت کمال انسانی و منتهای سیر کمالی بسته به آن است، بلکه به یک معنی خود آن است...» (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۳). اساس روند خودسازی به شمار آمده و غفلت از آن موجب می‌گردد نفس اماره انسان به دلیل «تمایل ذاتی به فساد و ناملایمات عاجله نفسانیه» به فساد میل کند (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۶). امام خمینی شرارت و اعمال قبیح را - که حاصل طبیعی واگذاشتن نفس اماره به حال خود است - موجب کدورت دانسته و باعث نزدیکی آدمی به عالم طبیعت و باطن آن (هاویه) می‌داند به گونه‌ای که «حکم روحانیت و انسانیت از او برداشته» شود (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص ۲۸۳). بنا به قولی از ایشان نفس «بالتطبیعه به بدن توجه دارد» رسالت انبیا این بوده است که نگذارند آدمی بالاختر نیز مستغرق در کار طبیعت باشد؛ چون اگر این افراط صورت گیرد، ادراکات عقلی ضعیف شده و حتی منجر می‌شود انسانیت نیز صرف حیوانیت شود (اردبیلی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۲ - ۳۱).

با توجه به آرای امام خمینی برای خودسازی انسان، اصول و عناصری را می‌توان یافت که به‌طور کلی در دو طریق: «علمی و عملی» قابل جمع هستند؛ یعنی «آگاهی» و سپس عمل نمودن به آن آگاهی، شرط مهم موفقیت در این مسیر به شمار می‌رود. اکنون جا دارد اصول خودسازی از نگاه ایشان مورد ارزیابی قرار گیرد تا روشن شود که سیر کمالی آدمی از چه مجرای و چگونه حاصل می‌شود.

۳. اصول خودسازی

۳-۱. بیداری

امام خمینی مبدأ «سفر روحانی^۱» را «بیت مظلومه نفس» توصیف می‌کند شروع چنین سیری بدون آگاهی از این که آدمی در عالم طبیعت مسافر است و بایستی از «سکر طبیعت» بیدار شود ممکن نیست. به عقیده امام خمینی منزل اول انسانیت، یقظه و بیداری است؛ این

۱. تعبیری مختلفی در آثار امام خمینی بیانگر طریق خودسازی است؛ که در تحقیق حاضر با عنوان «خودسازی» آمده است.

بیداری حاصل «تفکر» در این است که آیا زندگی آدمی تنها در بعد حیوانی و شهوانی او خلاصه می‌گردد یا مقصود دیگری در کار است؟ (امام خمینی، ۱۳۷۵، صص ۵۹۰، ۹۸).

۲-۳. عزم

پس از این که آدمی به آگاهی لازم رسید و بیدار شد، ادامهٔ سیر، با «عزم» او ممکن می‌گردد. بر اساس مطلب فوق، نقطهٔ شروع «سفر روحانی» و طریق خودسازی خود انسان و «نفس» اوست؛ لذا «ترک حب نفس» و خودخواهی و خودبینی اولین قدم در این سلوک محسوب می‌شود؛ یعنی هر اقدامی که آدمی «در راه تحصیل معارف و کمالات روحیه» می‌کند بایستی فارغ از خودخواهی و خودبینی باشد (امام خمینی، ۱۳۷۵، صص ۸، ۳۳۱). ایشان حبّ نفس را منشأ انقطاع از خداوند و موجب اسارت نفس و خواری انسان در نزد صاحبان دنیا و مال و منال ذکر می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۷، صص ۳۳۸).

۳-۳. ترک حب دنیا و حب نفس

از آنجا که به عقیده امام خمینی «اغلب خطایای آدمی و یا جمیع امراض یا اکثر امراض نفسانیه» از «حب دنیا» ناشی می‌شود و «علاج قطعی اکثر مفاسد به علاج حب دنیا و حب نفس» میسر می‌گردد (امام خمینی، ۱۳۷۷، صص ۲۵۴ - ۲۵۳) به همین دلیل این دو، غالباً در کنار هم مطرح شده و به منزله امری یگانه - که به طور هم‌زمان بایستی علاج شوند - به شمار می‌آیند. امام خمینی «زهد» را عامل مهمی در جهت ترک تعلقات دنیوی به شمار آورده و آن را عامل سلامت نفس ذکر می‌کند؛ لذا زهد به همین علت از اهمیت بسزایی در عرفان اسلامی و بالأخص در اندیشه‌های عرفانی امام خمینی برخوردار است؛ البته به عقیده ایشان این «زهد» نه تنها شامل «ترک»، بلکه ملازم با «تحمل» هم هست و از «صفات نفسانیه» است (ر. ک. به: امام خمینی، ۱۳۷۷، صص ۳۰۸-۳۰۵). اهمیت «زهد» از آنجا آشکار می‌شود که توجه و تعلق نفس به مادیات مانع توجه آدمی به «خداوند» و «مقام انسانیت» می‌شود و زهد عامل ترک این توجه و تعلق است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸، صص ۲۶۷).

۳-۴. تسلیم نزد اولیای حق

بنا به عقیده امام خمینی اصل مهم دیگر در طریق خودسازی تسلیم نزد «اولیای حق» است. اگرچه آدمی ابزار مهمی همچون «مربی باطنی» که قوه عقل و تمیز اوست در اختیار دارد؛ اما این ابزار را «مربی خارجی» که [انبیا] و اولیا هستند تکمیل می‌کنند در مواردی که عقل آدمی برای کشف آن‌ها راه ندارد. اولیای الهی با ابزار «وحی» و «رسالت» به فهم آن‌ها کمک می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص. ۴۸۵).

۴. عناصر خودسازی

امام خمینی این عناصر را به سه قسم مهم تقسیم می‌کند که بدین شرح قابل ذکر است:

۴-۱. علم نافع

با دقت در بخشی از آرا و اقوال ایشان که به «علم» مربوط است می‌توان به نتایجی دست یافت که هر یک به گونه‌ای حول محور انسان‌سازی دور می‌زند. گاه مقصود از «علم نافع» آن علمی است که فطری انسان بوده و به معنای گریز از جهل است - جهلی که نقصان به شمار می‌آید - این علم با کمال مطلق مساوق است؛ لذا عشق به کمال، شامل عشق به علم نیز است البته عشق فطرت، علم به مفاهیم و علم ارتسامی مشهور پیش عامه نبوده، بلکه «معرفت به‌طور مشاهده حضوریه که به رفع حجب حاصل شود» مطلوب فطرت است (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۲۶۲)؛ و از آنجا که این نوع علم، بر اساس عقیده ایشان بی‌نقص است مطلوب فطرت کمال طلب آدمی است؛ اگرچه نمی‌توان مدعی بود که دیگر علوم زائیده این عشق فطری نباشند.

گاهی مقصود امام خمینی از علم، اشاره به مفهوم مشهور نزد عامه دارد که در ذهن می‌آید؛ و در اقوال ایشان در کنار تعلیم و تعلم به کاررفته و یا با عنوان «دانش» مطرح می‌شود. «علم» به این معنا نیز در صورتی به حال بشر سودمند خواهد بود که با «تهذیب اخلاق» و «تربیت روحی» همراه گردد. در غیر این صورت، جامعه نیز از چنین علمی متضرر خواهد شد. اگر معلومات افزایش یابد؛ اما در راه مستقیم به کار گرفته نشده و نفس و معلومات مهار نشود، مشکل ساز است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸، ص. ۳۱۰) و مانع از رسیدن

انسان به آن غایتی خواهد بود که کمال آدمی در آن است.

می‌توان مراد از علم را، آگاهی‌ای دانست که لازمه شروع «خودسازی» به شمار می‌آید. سیر کمالی آدمی از این آگاهی شروع شده و سپس به عمل می‌انجامد. امام خمینی سخن از «عقل نظری» نیز به میان آورده و آن را به‌عنوان ابزار ادراکی و نیز قوه عاقله، با مبحث حاضر پیوند می‌دهد. به عقیده ایشان قوه عاقله یا عقل نظری یکی از قوایی به شمار می‌رود که برای اصلاح فرد لازم و ضروری است تا بدان ادراک مطالب کند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷، صص. ۵۴۲ - ۵۴۱).

همچنین در یکی از آثار خود «تفکر» را لازمه شروع مجاهده [به‌منظور خودسازی] ذکر می‌کند این تفکر ناظر به آگاهی فرد در مورد هدف و غایت انسان است. آگاهی راجع به این که آیا او در همین حیات حیوانی خلاصه می‌شود؟ و آیا نعمت‌هایی که در اختیار اوست به‌قصد اداره شهوت است یا خیر؟ (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص. ۶).

از اصلی‌ترین بازتاب‌های چنین تفکری، نیل به «خودشناسی» است که کلید «دریافت معارف بلند الهی» و بلکه «کل حقایق» به شمار می‌رود (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۷۲، ص. ۱۸) یقظه و بیداری نیز که «اول منزل از منازل انسانیت» است (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص. ۱۷۴) حاصل تفکر و بهره‌گیری از قوه عقل و ادراکی است که آدمی را از سکر طبیعت بیدار ساخته و او را به حقیقت سیر قهری او و مسافر بودنش آگاه کند (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص. ۹۸).

لازم به ذکر است با توجه به عقیده امام خمینی که روزه‌های ارتباطی انسان با جهان خارج را شامل حواس پنج‌گانه و عقل ذکر می‌کند محتمل است «از همین روزه‌ها، فسادها در باطن انسان موجود شود» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص. ۱۵۳)؛ این بدان علت است که انسان اعجوبه‌ای بی‌همتا، چه در جانب کمال و چه در جانب نقص، است (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص. ۱۳۷)؛ بنابراین بایستی، علم و ادراک و آگاهی و تفکر نیز در جهت مثبت به کار گرفته شود؛ یعنی درست در راستای تحقق انسانیت و در حقیقت زدودن غبار حجاب‌ها از چهره فطرت نورانی بشری.

امام خمینی عنصر دوم را «عمل صالح» می‌داند که ذیلاً به آن می‌پردازیم.

۲-۴. عمل [صالح]

دومین عنصر مهم خودسازی از منظر امام خمینی «عمل» است این عمل باید به گونه‌ای باشد که نفس را از سرکشی‌های آن دور کرده و سرکشی‌ها را بکاهد (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۳۳۹). پس از این که فرد، علم، آگاهی و ادراک لازم را حاصل نمود بایستی آنچه را از راه علم کسب نموده است به قلب برساند. هیچ‌یک از عناصر خودسازی فارغ از عمل نیستند. امام خمینی سخن از «ریاضات علمی و عملی» به میان آورده (امام خمینی، ۱۳۷۵، صص. ۲۷۶، ۳۳۲، ۴۵۷)؛ سپس در جای دیگر قائل به ارتیاض در مراتب ثلاثه می‌شود و این ارتیاض را عامل اصلاح هر یک از شئون به شمار می‌آورد (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص. ۳۸۸)؛ بنابراین حتی وقتی سخن از ریاضت عقلی یا علمی به میان می‌آید، نظر به عمل است. چنانچه معتقد است، عقل نظری تنها به علم و ادراک مرتبط نیست و نمی‌توان عملی نمودن کارهای معقوله را در انحصار عقل عملی قرار داد بلکه در عقل نظری هم عمل لازم است (اردبیلی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص. ۳۴۱). (اشاره به «ریاضت عملی» در فوق مؤید و مؤکد این مدعاست).

اهمیت دادن به عمل و ریاضت در آرای امام خمینی بسیار محرز است؛ زیرا اساسی‌ترین ابزار برای «تغییر» انسان قلمداد می‌شود به گونه‌ای که معتقد است اکثر اخلاق ناپسند در آدمی به واسطه ریاضت از بین می‌رود (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۱۵۰). از سوی دیگر، تهذیب اخلاق و کسب ایمان کامل نیز در گرو اعمال و عبادات ظاهری است^۱ (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص. ۳۸۸). همچنین غایت «انسان» که «الهی لاهوتی شدن» و تجلی خداوند در تمام مراتب باطن و ظاهر اوست به عقیده ایشان با طی مراحل «طهارت» یعنی «اجرای فرامین حق، آراسته شدن به فضایل اخلاقی، تسلیم قلب به حق» میسر می‌گردد (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص. ۶۱)؛ که در حیطه «عمل» قرار می‌گیرند. دقت در همین اقوال معیاری به دست می‌دهد تا بدان، عمل صحیح سنجیده شود.

امام خمینی پس از علم و عمل، سخن از عنصری باطنی‌تر در تحقق خودسازی به میان آورده و با مطرح کردن مقوله «ایمان خالص» که با قلب انسان مرتبط است گویی به ارزیابی سلوک حقیقی پرداخته است.

۱. البته بایستی اضافه کرد که به عقیده ایشان نیت، نقشی مهم در «عمل» داشته و فارق بین اعمال محسوب می‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص. ۲۸۶).

۳-۴. ایمان خالص

عنصر سوم خودسازی «ایمان خالص» است؛ یعنی مرتبه‌ای که در آن، علم عقلانی به قلب رسیده باشد. از نظر امام خمینی، «کسب ایمان کامل» در ارتباط با اعمال ظاهری و عبادت‌های قالبی نیز قرار می‌گیرد، همچنان که اعمال ظاهری بدون ایمان قلبی و محاسن اخلاقی کامل نمی‌شود یکی از مجاری نیل به ایمان نیز، اعمال قالبی خواهند بود. با عنایت به اینکه امام خمینی مراتب سیر انسان را از طبیعت تا مافوق طبیعت و تا رسیدن به مقام الوهیت؛ ذکر می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸، ص. ۴۱۱) - یعنی تا جایی که به جز خدا نبیند - نمی‌توان چنین پنداشت که خودسازی در مرحله ایمان خالص از پویایی ساقط شده و تکامل آدمی به همین جا ختم می‌شود؛ بلکه در مقام قلب و ایمان خالص نیز «ارتیاضات قلبیه» وجود دارد که وجود انسان را «وجود ربانی» می‌کند به گونه‌ای که خداوند در این وجود تصرف نماید (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص. ۲۰۷).

۵. موانع مهم خودسازی

۵-۱. حب نفس و حب دنیا

«انسان تا در اسارت نفس و شهوات نفسانی» بوده و خودخواهی و خودبینی بر او مستولی باشد همه اعمالش نفسانی و شیطانی بوده و به تعبیر امام خمینی بر اعمال «صوریه معنویه، قلبیه و قالبیه» او «صبغه نفسانی» غلبه خواهد داشت که «صبغه شیطان» است (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۳۲۷). حب نفس و حب دنیا عامل اصلی امراض نفسانی آدمی به شمار می‌آیند. در تقریرات فلسفه امام خمینی می‌خوانیم: نفس انسان متمایل به مهلکات است. مقصود از مهلکات نیز تعلق خاطر به نشئه طبیعت و مستی عالم طبیعت و شهوت و غضب است که مانع از رشد و تکامل آدمی می‌شود؛ لذا کمال انسانی درگرو خلاصی از عبودیت نفس است (ر. ک. به: اردبیلی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص. ۳۳۸).

بنا به قول امام خمینی در هر حظی که نفس انسان از این عالم می‌برد اثری از آن در قلب واقع می‌شود که تأثیر از ملک و طبیعت بوده و سبب تعلق قلب انسان به دنیاست. با افزایش التذاذات، تأثیر قلب از آن بیشتر شده و تعلق آن نیز بیشتر می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص. ۱۲۳). با غلبه احتجاب به طبیعت بر نفس آدمی، کم‌تر ممکن است «کسی به خودی خود

بتواند از این حُجُب بیرون آید و با فطرت اصلیه سیر به عالم اصلی خود بنماید» (امام خمینی، ۱۳۷۷، صص. ۷۹ - ۷۸). توجّه به این مطالب نشان می‌دهد همچنان که نقش «خود انسان» در امر خودسازی بسیار برجسته است؛ موانع بزرگ این راه نیز منشأ درونی دارند. امام خمینی قائل است: خود انسان در صورتی که تحت تربیت و تزکیه واقع نشود دشمن بزرگ خود است. انسان را خود او به تباهی کشیده و به ظلمت‌ها وارد می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص. ۵۰۷). غفلت انسان از تربیت خودش موجب می‌شود قوای او، قوای شیطانی شود (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص. ۲۴۳).

۲-۵. انکار نمودن و باطل شمردن صاحبان مقامات و «انکار مدارج غیبیه معنویه»

این امر نه تنها منشأ تمام «ضلالات و جهالات» است بلکه موجب وقوف و خمود آدمی شده و او را از طلب باز می‌دارد؛ و بدین ترتیب مانعی بزرگ در مسیر وصول به کمال و مقامات معنویه فراهم می‌آورد (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص. ۵۰۷). امام قائل است: «از جمله چیزهایی که سد راه انسانیت است، انکار مقامات است؛ محصور کردن همه چیز را در این چیزهایی که خود ما می‌فهمیم» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص. ۲۶۹). در این صورت است که نه حرکتی صورت می‌گیرد و نه کمالی حاصل می‌گردد.

۳-۵. سستی، عناد و تعصّب

امام خمینی، سردی و سستی خود انسان و عناد و تعصّب اهل جهل و عناد را نیز مانع چنین سیری ذکر می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص. ۱۲۴).

۴-۵. اقدام نکردن به خودسازی پیش از سنین پیری

ایشان معتقد است؛ در دوران پیری، سستی اراده از عوامل دیگری است که خودسازی را مشکل می‌کند سنین جوانی مناسب‌ترین ایام برای اصلاح نفس معرفی می‌شود؛ چرا که هنوز رذایل در قلب ریشه نکرده است (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۱۵۷)؛ اما در نهایت اعتقاد ایشان بر این است که:

هیچ مرضی از امراض نفسانیه نیست الا آنکه آن را تا در این عالم است

انسان می‌تواند اصلاح کند، گرچه در نفس ریشه کرده باشد و ملکه شده باشد و مستحکم گردیده باشد. غایت امر آن که در شدت و کثرت ریاضات نفسانیّه فرق می‌کند، و هر چه مشکل و سخت و محتاج به مشاقّ بدنی و ریاضات روحیه باشد ارزش دارد؛ زیرا که باز هر چه هست تا انسان در این نشئه است در تحت اختیار خود و با اعمال عبادی و امثال آن انجام می‌گیرد (امام خمینی، ۱۳۷۷، صص. ۱۵۸-۱۵۹).

مطلبی که ضرورت دارد در کنار بررسی راه‌ها و موانع خودسازی مورد تحلیل قرار گیرد بحث تفاوت‌های فردی است. اگرچه فطرت هر انسانی در اصل، نورانی و صیقلی بوده و در صورت عدم وجود موانع، انسان را به سمت سعادت سوق می‌دهد؛ اما نباید از توجه به مسائلی همچون، درجات مختلف افراد و تفاوت‌های آن‌ها با یکدیگر غفلت کرد.

۶. خودسازی و تفاوت‌های فردی

افراد بشری از طینت‌های^۱ متفاوتی برخوردارند. تفاوت طینت‌ها (پیش از ظهور خارجی) موجب تفاوت و افعال خارجی است (امام خمینی، ۱۳۷۲، ص. ۱۱۰). امام خمینی قائل است: افراد در عالم اسفل ملکی با هم اختلاف تامه دارند، از همین نوع، افرادی در کمال شقاوت و عده‌ای دیگر در کمال سعادت یافت می‌شوند. از منظر ایشان افراد انسان در «حالات قلوب و عادات و اخلاق و ازمنه و امکان» متفاوت هستند (امام خمینی، ۱۳۷۳، صص. ۳۱۰، ۱۸۷). در جای دیگر اشاره می‌کند: «مادامی که نفوس در حرکتند از یک نوع می‌باشند و همه افراد از نوع واحدی هستند، ولی بعد به واسطه رسوخ ملکات و اخلاق ملکیه یا شیطانیه و یا بهیمیه و یا سبعیه، هر فرد نوع مستقلی» می‌شود (اردبیلی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص. ۱۵۹).

بنا به دیدگاه امام خمینی، افراد در مقامات سلوک باهم متفاوت بوده و طالبان خودسازی هر یک به اندازه قابلیت خود کمال می‌یابند. اختلاف طینت‌ها موجب می‌شود افراد در قبول و عدم قبول ایمان مختلف باشند. ایشان در باب قابلیت‌های افراد، معتقد است نایستی این اصل را انکار نمود که افراد بشر هر آنچه را که استحقاقش را دارند از خداوند دریافت

۱. «طینت»، به معنای اصل و ماده‌ای است که مناسبت با مخلوقات دارد» (امام خمینی، ۱۳۷۲، ص. ۶۹ مقدمه).

می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۲، صص. ۶۶-۶۴). از منظر امام، جوهر و ماده هر انسانی از لحاظ لطافت و شقاوت با بقیه افراد متفاوت است و همین امر موجب می‌شود برخی در مدت زمان کمتری از قوه به فعلیت درآیند؛ و مراد ایشان حرکت قهری جوهری است که همه افراد را از دار طبیعت بیرون آورده و به مقام تجرد می‌رساند؛ اما همین سیر در افرادی که از شرایط بهتر پیش از تولد برخوردار بوده‌اند، سریع‌تر صورت می‌گیرد و آن‌ها تکامل می‌یابند.

مطلب دیگر این است که همه انسان‌ها جوهره طبیعت را سیر می‌کنند؛ اما در چگونگی استفاده از حرکت جوهری، همگان یکسان نیستند، یعنی این حرکت که به خروج از دار طبیعت (دار نقصان) می‌انجامد در افراد مختلف متفاوت است. لطافت جوهر انسان‌ها و کسب اختیاری آنان در حصول کمال شایسته خود دخیل است؛ بنابراین امام خمینی تفاوت درجات افراد را در کیفیت استفاده از حرکت جوهریه ذکر کرده و «عمل و ارتیاض نفسانی و کسب روحی و خروج از جنّ اللیل» را بسیار بااهمیت می‌داند (اردبیلی، ۱۳۸۵، ج ۳، صص. ۴۰۰-۳۹۸).

«طریق عملی اصلاح نفس» با «مراقبت»، «همت مردانه»، «حریت فکر و بلندی نظر» ممکن می‌گردد. حصول نجات درگرو عمل نمودن برخلاف میل نفس اماره است (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص. ۹۶)؛ بنابراین به عقیده امام خمینی خودسازی به نجات می‌انجامد؛ اما از سوی دیگر تحقق این امر با دشواری‌هایی همراه بوده و عزم و اراده فرد را می‌طلبد، ایشان اختلاف در درجات افراد را بسته به میزان عزم و اراده آنان می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۵، صص. ۱۲۵، ۸).

افراد بشر از قابلیت‌های مختلفی برخوردارند (امام خمینی، ۱۳۷۲، ص. ۵۵)؛ اما در امر خودسازی، هر کس به میزان قابلیت‌های خویش بایستی تکامل یابد و میزان در تعیین سعادت، نجات‌یافتگی، کمال، وارستگی و قرب...، این است که هر فردی قابلیت‌های خویش را به فعلیت برساند. پیش‌ازاین که به بحث میزان توانمندی‌های آدمی برای تحصیل انسانیت و عمل به اقتضای فطرت پردازیم، جا دارد بیان مختصری درباره جایگاه او در عالم هستی ارائه گردد.

۷. خودسازی و میزان توانمندی‌های آدمی

اگرچه راه حق و تحصیل آن از منظر امام خمینی امری دشوار است؛ اما با ورود آدمی در آن، خداوند راه‌های سعادت را به وی نزدیک می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۱۰۸). ایشان قائل است: «نفس در بدو فطرت، خالی از هر نحو کمال و جمال و نور و بهجت است، چنانکه خالی از مقابلات آن‌ها نیز هست... نه دارای کمالات روحانی و نه متصف به اضداد آن است. ولی نور استعداد و لیاقت برای حصول هر مقامی در او ودیعه گذاشته شده است...». در آدمی قابلیت این که اراده او مظهر اراده خداوند باشد وجود دارد؛ یعنی انسان قابل است که خداگونه شود (امام خمینی، ۱۳۷۵، صص. ۲۷۲، ۱۲۵). این نفوذ اراده از طریق تسلیم و فانی نمودن اراده، تحت اراده خدا تحقق می‌یابد (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص. ۳۲).

بنا به دیدگاه امام خمینی، انسان موجودی است «که نه در جانب کمال، همتا دارد و نه در جانب نقص و اتصاف به صفات رذیله...» (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص. ۱۳۷). او قابلیت این را دارد که تمام معنویت‌ها را در خود ایجاد کند... خداوند در انسان همه جهات عالم را قرار داده است؛ اما به صورت استعدادهایی که بایستی فعلیت یافته و تحقق پیدا کند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸، ص. ۴۱۲). تحقق و فعلیت استعداد و قابلیت کامل شدن، اموری «اکتسابی» هستند. بر اساس قول امام خمینی: «صِرف صاف‌تر بودن ماده گرچه برای پذیرش وجود مستعدتر است» کافی نیست؛ چون امکان دارد مانعی جلوی راه او را گرفته و نگذارد طبق استعدادش از کمالات برخوردار شود. ایشان با تأکید بر «اکتساب»، در حقیقت بر عمل و ارتیاض نفسانی و کسب روحی برای رسیدن به درجات انسانی تأکید می‌کند (اردبیلی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص. ۳۹۹).

لازم به ذکر است اگرچه انسان مستعد رسیدن به «مقام الوهیت» است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸، ص. ۴۱۱)؛ اما نیازمند عزم و اراده است تا از معاصی به سمت حق هجرت کند (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص. ۸۰). امام خمینی با تأکید بر اختلاف افراد در مقامات سلوک، نقطه غایی و کمالی این سلوک را که «فنا در توحید» و «بقای به حق» است در دسترس عده قلیلی می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۲، ص. ۶۶ مقدمه) در اندیشه امام خمینی درجه‌بندی‌های مختلفی برای افراد بشر اعم از سعید و شقی می‌توان یافت چنین درجه‌بندی‌ای در بین افرادی که در خط توحید؛ یعنی وصل شدن به خدا و خداگونه گشتن قرار دارند (اولیا و

کسانی که به خدا تقرب دارند) نیز به چشم می‌خورد. ایشان با تمسک به حدیث منسوب به پیامبر اسلام (ص) که می‌فرماید: «الطرق الی الله بعدد انفاس الخلاق» و با بیان این که راه‌های مختلفی برای سلوک آدمی همچون راه علم و برهان فلسفی و راه اطمینان نفس و مشاهده، وجود دارد (امام خمینی، ۱۳۷۳، صص ۱۲-۱۰)؛ افراد بشر را به تناسب طرقی که برای رسیدن به حق و کمال نهایی و انسانی خویش برمی‌گزینند درجه‌بندی می‌کند. از منظر امام خمینی هر فردی بر اساس قابلیت و استعداد خود و از طریق‌هایی که این قابلیت و استعداد آن را تعیین می‌کند در راه تحقق و فعلیت بخشیدن به انسانیت بالقوه قدم می‌گذارد^۱.

درجه‌بندی‌های قابل اخذ از آرای امام خمینی، چه در مورد خودساختگان و یا سالکان طریق خودسازی باشد و چه در مورد سایر افراد بشر، در یک هرمی قابل نمایش است که از قاعده تا رأس این هرم، به این ترتیب چینش می‌شود: «محبوبان، سالکان، واصلان و راجعان الی الخلق» (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۷۳، صص ۲۸۱-۲۸۲) مقامات و درجاتی که در عرفان اسلامی بالأخص برای سالکان طریق^۲ خودسازی مطرح است بسیار متعدد و مختلف است. حتی واصلان و راجعان الی الخلق نیز از درجات و مقامات یکسانی برخوردار نیستند.

۸. ثمرات فردی و برون فردی خودسازی

خودسازی در حیات فردی از حیث احساسی و رفتاری اثرگذار بوده و از سوی دیگر بازتاب‌های اجتماعی نیز در پی دارد. فردی که جهاد با نفس را آغاز می‌کند در مرتبه نخست، از «خودی» تهی می‌شود و با عبور از آن، قادر خواهد بود دیگر درجات تعلق به ماسوا را ترک کند. امام خمینی در خلال بحث از جهاد، سخن از اهمیت جهاد با نفس به میان آورده و هدف اصلی از این جهاد را در تعلق داشتن آن به خداوند می‌داند. جهاد با نفس و امر خودسازی از دیدگاه ایشان، غلبه انسان بر قوای ظاهری و آن‌ها را تحت فرمان

۱. البتّه بر اساس آموزه‌های عرفان اسلامی؛ سیر به‌سوی خدا، یک امر قه‌ری برای انسان و بلکه تمام موجودات است؛ اما در اینجا مراد، سیر افرادی است که به اختیار خویش در طریق خودسازی گام نهاده‌اند.

۲. کسانی که در مسیر تحقق انسانیت بالقوه خود، در سلوک هستند.

حق درآوردن است (ر.ک. به: گروه معارف، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۸). امام قائل است اولین مسئله‌ای که نزد اولیای خدا اهمیت داشته تهی شدن از غیر حق، توجه به حق و تهذیب نفس بوده است. بنا به رأی ایشان، کمالات اولیا و انبیای خدا حاصل دل‌کندن از ما سوی الله و پیوستن به خداوند است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷، ص. ۴۹۳).

حاصل این سازندگی ابتدا در ابعاد ظاهری فرد خودساخته نمود یافته و منتهی، به سلامت او در این مراتب می‌شود. در این مقال مرتبه مذکور با عنوان مرتبه جوارحی و جوانحی تبیین می‌شود.

۸-۱. سلامت جوارحی^۱ و جوانحی

سلامت فردی خودساختگان می‌تواند از سلامت اعضا و جوارح انسان تا ابعاد روحانی او را شامل شود. وقتی سلامت فردی و درونی مطرح می‌شود نمی‌توان سخنی از سلامت جوارح^۲ به میان نیاورد. امام خمینی در بحث از فرایندها و مراحل سلوکی به تأثیر و تأثر اعمال جوارحی و جوانحی التفات داشته و به هر دو بُعد اهمیت می‌دهد (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۷۵، ص. ۶۲) تأثیر اعمال جوارحی و جوانحی بر هم متقابل است و تفکیک دقیق بین این دو از حیث اینکه گفته شود کدام‌یک بر دیگری تقدم داشته و سبب سلامت آن دیگری می‌شود مشکل است؛ زیرا از طرفی فردی که درجه‌ای از سلامت باطنی را دارا نباشد به اعمالی که نشان از سلامت جوارح دارد اقدام نخواهد کرد و از سوی دیگر فردی که سلامت جوارحی ندارد متحقق به سلامت جوانحی نیز نخواهد بود.

اعضای عارف باید در تبعیت از حق باشد. عارف سخن از اشتغال جوارح در راه موافقت مولا می‌گوید (ر.ک. به: سلمی، ۱۴۱۴، ص. ۲۰۶). بدین معنا که اعضای سالک صرفاً باید در سبیل الهی به کار گرفته شود. حفظ اعضای بدن از مخالفت حق و عدم اشتغال جوارح به آنچه در ارتباط با مولا نبوده و در راستای هدف خلقت انسان قرار ندارد مراحلی از خودسازی است. در آرای امام خمینی به سلامت جوانحی بیش از سلامت جوارحی

۱. مقصود، افعال جوارحی است.

۲. سلامت جوارح در اینجا با حوزه طب متفاوت است.

پرداخته می‌شود؛ و از آنجا که ایشان قلب را مناط انسانیت دانسته و قائل است آغاز همه چیز از قلب است (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۵۲۰). بحث از سلامت جوانحی را با تأکید بر سلامت این مرتبه از اطوار وجودی انسان که در این مقال به‌منزله طور باطنی انسان گرفته می‌شود تکمیل می‌کنیم.

۲-۸. سلم درونی خودساختگان و بازتاب‌های آن

برخوردراری از سلامت قلب همچنان که در ساحت انفسی و در نفس عارف، نتایج و ثمراتی در پی دارد در ساحت آفاقی و در اجتماع و جامعه انسانی نیز ثمراتی به دنبال خواهد داشت. آنچه از تأثیر درون (و فرایند تحقق سلامت قلب) عارف سالک در جهان بیرون انعکاس می‌یابد، از لوازم و مقتضیات تحقق سلم در ساحت درونی عارف است. در واقع اگر خودسازی در مرتبه برون فردی هیچ بازخورد سازنده و یا مصلحانه‌ای نداشته باشد، نشانه نقصی در سلوک بوده و بلکه سازندگی درونی حاصل نشده است. ثمرات برون فردی خودساختگی و سلامت باطن عارف می‌تواند ابعاد و گستره متفاوتی بیابد که از نزدیک‌ترین ساحت برون فردی؛ یعنی ارتباط با خانواده و نزدیکان آغاز شده و تا اجتماعات کوچک و سپس تأثیر بر جوامع تا اثرگذاری در گستره جهانی امتداد می‌یابد.

امام خمینی بیانی دارد که می‌توان در آن، نمونه‌هایی از بازتاب‌های اجتماعی سلامت باطنی را یافت. ایشان پس از ذکر سلامت جمیع قوا و بلکه «حَفَظَه و مَوَکَلِین» از فرد سالم، به نمودهای اجتماعی آن اشاره کرده و می‌گوید: معاملات و معاشرات چنین شخصی با صدیق و عدوش به طریق سلامت است و بلکه ریشه عداوت از باطن قلب چنین فردی منقطع می‌شود، هرچند مردم با او عداوت ورزند. «و کسی که به جمیع مراتب سلامت نباشد، به همان اندازه از فیض «سلام» محروم و به افق نفاق نزدیک شود» (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۳۶۹). در این بیانات نمونه‌های درخور توجهی از هر دو مرتبه سلامت انعکاس یافته است. سخن ایشان در باب سلامت همه قوا و بلکه «حَفَظَه و مَوَکَلِین» به تحقق درجه ظریفی از سلم درونی اشاره دارد از سوی دیگر در سطح برون فردی منقطع شدن ریشه‌های عداوت در کلیه معاملات و معاشرات اجتماعی نشانگر تحقق روح صلح و آشتی عرفانی است. بنا به دیدگاه امام خمینی، عبادات و اعمال جوارحی نیز نموده‌ها و اثرگذاری‌های برون فردی

دارند. ایشان قائل است «نزد اهل معرفت و اصحاب قلوب کلیه عبادات سرایت دادن معارف الهیه است از باطن به ظاهر و از سرّ به علن» (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص. ۷۹).

در اقوال امام خمینی بخشی از ثمرات باطن و قلب تربیت شده را در نحوه نظر به خلق و نیز ارشاد آن‌ها می‌توان یافت. ایشان با متذکر شدن کیفیت ارشاد فرعون به وسیله حضرت موسی، سخن از ملاقات عطوفت آمیز و نحوه برخورد توأم با محبت در امر ونهی و ارشاد بندگان خدا به طور کلی به میان آورده و می‌گوید: «چون قلب خود را رحمانی و رحیمی یافتی، به امر ونهی و ارشاد قیام کن تا دل‌های سخت را برق عاطفه قلبت نرم کند و آهن قلوب به موعظت آمیخته با آتش محبتت لین گردد» از منظر امام خمینی علامت حصول رحمت رحیمیه در قلب آن است که با چشم عنایت و تطف به بندگان خدا نظر شود و خیر و صلاح همه مورد توجه و طلب باشد. ایشان این نظر را نظر انبیا و اولیا می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۳، صص. ۲۳۹-۲۳۷).

در آن بخش از توصیه‌های سلوکی عرفانی که به رویارویی با خلق مربوط می‌شود، سخن از حلم، تواضع، سخا، شفقت، ایثار، مدارا، نصیحت و امثال این‌ها در میان است. تربیت عرفانی مراتب مختلفی از احسان با خلق را در زمره الزامات رفتار برون فردی عارف قرار می‌دهد. در برخی آثار عرفانی در خلال مباحث مربوط به آداب و اخلاق قوم، آیه: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴) نیز تبیین شده است که به عنوان الگویی برای منش حسنه سالکان مطرح می‌شود (به عنوان نمونه ر.ک. به: قشیری، ۱۳۷۴، ص. ۳۵۴؛ سلمی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص. ۵۰۴).

۳-۸. دلیل مشی سلیمانان عارفان در رویارویی با خلق

فرد خودساخته در گام اول از وجه نفسانی خود انصراف می‌یابد تا وجه حق را شهود کند. شهود حقیقت درخور صاحبان مقام احسان است؛ زیرا دلی که از عالم کثرت تهی شده باشد تجلی حق واحد را شهود می‌کند (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۱۷۱) احسان، شهود تصرف حق در همه هستی و ادراک این امر است که تمام اجزای هستی به سوی او راجع‌اند. عارف سلیم‌القلب، حق را در مظاهر او شهود می‌کند (آملی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص. ۲۸۲) نیل او به این مرتبه، سلوک سلم آمیز و توأم با رحمت با همه خلایق را در پی دارد. تفکر وی مبنی بر اینکه حقایق از حیث گوهر و حقیقتشان از یک اصل بوده و تضادها اموری حقیقی نیستند

قرب و نزدیکی آن‌ها را در اندیشه او استحکام می‌بخشد.

در آرای امام خمینی مسئله «جهاد اکبر» که بیانی دیگر از «خودسازی» است مطرح می‌شود؛ ذکر حدیثی از پیامبر اسلام^(ص) در باب اهمیت جهاد با نفس و اکبر نامیدن این جهاد در قیاس با جهاد متعارف (جهاد اصغر) نشان از اهمیت و اولویت جهاد با نفس در آرای ایشان دارد^۱ (ر.ک. به: امام خمینی، ۱۳۷۵، ص. ۴). امام خمینی همه جهادهای دنیا را تابع جهاد با نفس دانسته و نزاع و جهاد با جنود شیطانی باطنی را مهم‌تر تلقی می‌کند و می‌گوید: «بدان که از برای نفس انسانی یک مملکت و مقام دیگر است که آن مملکت باطن و نشئه (ملکوت) اوست که جنود نفس در آنجا بیشتر و مهم‌تر از مملکت ظاهر است؛ و نزاع و جدال بین جنود رحمانی و شیطانی در آنجا عظیم‌تر و مغالبه در آن نشئه بیشتر و با اهمیت‌تر است» بنا به عقیده ایشان این جهاد نزد مشایخ اهل سلوک و اخلاق بسیار مهم است و سرچشمه تمامی سعادات و شقاوت‌ها به شمار می‌آید (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص. ۱۲). بنا به عقیده امام خمینی حقیقت جهاد اکبر «خارج شدن از تصرف جنود ابلیس و وارد شدن در تحت تصرف جنود الله است» (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص. ۶۱). جهاد اکبر که به فرایند خودسازی اشاره دارد دال بر تربیت عرفانی است و بر اساس عقیده عرفا؛ امری است که آدمی را از عالم اجسام که در آن تنزل کرده بار دیگر به صفای روحانیت می‌رساند. نفسی که تربیت شده و تزکیت یافته باشد به معرفت خویش و رب خویش نائل می‌آید.

در اینجا جا دارد به‌طور تفصیلی‌تری به بیان مقصد خودسازی پردازیم.

۹. مقصد خودسازی

این مقصد که مستلزم تعدیل آمال و مهار نمودن امیال نفسانی و حیوانی بوده و گام نخست آن فرا رفتن از خودیت است - چیزی جز تربیت انسان الهی نیست. در توصیف انسان الهی باید گفت که تمامی افعال و کردار او از صبغه نفسانی به صبغه الهی تغییر یافته است. در این سیر تربیتی، آدمی به‌عنوان موجودی که قابلیت کمال و ترقی دارد از مراحل ضعف و

۱. فرمود: «آفرین باد به گروهی که به‌جای آوردند جهاد کوچک را و به‌جای ماند بر آن‌ها جهاد بزرگ.» گفته شد ای پیغمبر خدا چیست جهاد بزرگ؟ فرمود: جهاد نفس است» (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص. ۴).

فتور به مقام عزّ انسانیت نائل می‌آید (ر.ک. به: تهرانی، ۱۴۲۶، ص. ۱۱۰). تربیت عرفانی ناظر به اصلترین هدف خلقت انسان است که معرفت خداست. بعث انبیا نیز به منظور تذکر آن چیزی است که فطرت اصیل آدمی بدان آشناست.

امام خمینی قائل است انبیا برای آرمان‌های توحیدی و عرفانی مبعوث شدند و ما نیز برای رسیدن به این آرمان‌ها و وارد نمودن آن‌ها در شهود و در قلب خود بایستی ریاضت و تزکیه و در کنار آن، تعلم و حکمت داشته باشیم (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۹، ص. ۲۲۵). برحسب اینکه شرایع الهی دارای مراتب ظاهر و باطن هستند که فرمود: «الشّریعة أوقالی و الطّریقة أفعالی و الحقیقة حالی و المعرفة رأس مالی» تربیت آدمی نیز که بر همین اساس استوار است بایستی دارای مراتب باشد. به هر مرتبه از مراتب ظاهر و باطن شریعت الهی، درجه‌ای از درجات ظاهر و باطن انسان تربیت شده و کمال می‌یابد تا انسان به مرتبه کمال خویش که مرتبه جامع عبودیت کامل است نائل شود (ر.ک. به: راز شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص. ۸).

تربیت عرفانی افراد می‌تواند به تدریج به ساخته شدن جهانی منجر شود که با هم در سلم، صلح و مدارا باشند. تأکید بر تربیت عرفانی به دلیل خصیصه این نوع تربیت است که در درجه نخست تأکید بر رهایی از خودخواهی و انانیت و در درجات دیگر بر رهایی از تعلق دل به کل ماسوی الله دارد. خودسازی به دلیل تأکید اصلی آن بر مسئله فرارفتن از «انانیت» به‌ویژه در اندیشه امام خمینی، سنخیت بیشتری با ایجاد چنین جامعه و جهانی دارد.

نتیجه‌گیری

آدمی از دو بُعد وجودی جسمانی و روحانی برخوردار بوده و به‌حکم بعد روحانی و اطوار غیر جسمانی خود از سایر موجودات متمایز می‌شود. این تمایز با نحوه وجودی او مرتبط است که همان فطرت است. بر اساس اقوال امام خمینی انسان دارای فطرتی پاک بوده؛ اما چون ولیده عالم طبیعت است بنا به اقتضای آن به هواهای نفسانی نیز متمایل است؛ بنابراین انسان در کشاکش بین دو گونه انتخاب قرار می‌گیرد. افرادی که به ندای فطرت اصیل خود پاسخ داده و احتجاجات آن را کنار می‌زنند تا به وجه اولیه و اصالت نخستین آن نائل شوند کسانی هستند که تربیت خویشتن و «خودسازی» را پذیرفته‌اند. از منظر امام خمینی نقطه

آغاز خودسازی، نفس مظلّمه و خود نازل و مقصد آن - به‌طورکلی - خود خدا گونه است. در این سیر، سرشت اصیل آدمی که از ابتدا بری از فساد، شرّ، شقاوت و سایر احتجاجات بوده به‌تدریج فعلیت می‌یابد. در چنین طریقی موانع بسیاری وجود دارد که در اندیشه امام خمینی در دو امر مهم خودخواهی و خودبینی و حبّ دنیا قابل جمع هستند. از سوی دیگر راه‌هایی برای خودسازی وجود دارد که از منظر ایشان، در چهارچوب علم، عمل و ایمان خالص قابل تحقق می‌باشند.

ضرورت پرداختن به تربیت نفس، به‌ویژه عنوان عرفانی آن را می‌توان در اهمیت ثمرات درون فردی و برون فردی این امر جستجو کرد. تربیت عرفانی نفس که در سیر الی الله حاصل می‌شود، تخلی از همه اغیار و رسوم است که اصلی‌ترین جلوه آن، نفس مظلّم انسان است. این گام ثمرات سازنده‌ای هم در ساحت انفسی سالک و هم در مواجهه او با خلق و در ارتباط با آفاق به دنبال دارد.

تخلی از اغیار و ترک تعلق که اصل مهمی در خودسازی به شمار می‌رود در هر سالکی - برحسب اینکه افراد از قابلیت‌های یکسانی برخوردار نیستند - متفاوت است؛ اما در هر حال، افراد خودساخته، سلوکی سلیمان‌ه و حسنه در معاملات و معاشرت و سایر امور دارند. تحقق خودساختگی از مرحله آگاهی و علم به عمل صالح رسیده و در درجات باطنی‌تر به ایمان خالص که عملی قلبی است منتهی می‌شود؛ و هر یک طبق این استعداد قادرند به رشد و تعالی در جهت اتصال به‌غایت و کمال انسانی دست یابند؛ و آنچه اهمیت دارد این است که هر فردی به میزان قابلیت و استعدادی که دارد فطرت پاک و سلیم خود را متحقق سازد. افراد بشر بر همین اساس اگر در طریق نیل به کمال انسانی خود و در طریق خودسازی وارد شوند از مراتب و درجات مختلفی برخوردار خواهند بود؛ بالاترین مرتبه از آن «انسان کامل» است که در جایگاه الگوی بشر قرار می‌گیرد. درجه‌بندی بر اساس میزان بهره‌مندی افراد بشر از کمال انسانی در مخروطه و یا هرمی قابل ترسیم است که هرچه به سمت قاعده هرم نزدیک می‌شویم میزان احتجاج به احکام طبیعت بیشتر و در جهت رأس هرم که پیش می‌رویم به انسان کامل نزدیک می‌شویم؛ یعنی مصادیق کمال انسانی بسیار قلیل است تا این‌که تنها یک انسان کامل که درجه تقریب بیشتری به خداوند و خداگونگی دارد بر همه مصادیق دیگر به امر خداوند تسلط و حاکمیت می‌یابد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده به‌تنهایی تمام مقاله را نوشته است.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافعی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- آملی، سیدحیدر (۱۴۲۲ق). تفسیر المحيط الأعظم. تصحیح سید محسن موسوی تبریزی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- اردبیلی، عبدالغنی (۱۳۸۵). تقریرات فلسفه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۵). چهل حدیث (اربعین حدیث). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۲). مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية. مقدمه جلال آشتیانی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۳). آداب نماز (آداب الصلوة). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۷). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- یازوکی، مجید (۱۳۹۵). تزکیه و خودسازی از نگاه امام خمینی (ره). کیهان، ۱۲ خرداد، کد خبر ۷۶۴۷. <https://kayhan.ir/fa/news/76479>
- تهرانی، سید محمد حسین (۱۴۲۶ق). مهر تابان. مشهد: انتشارات نور ملکوت قرآن.
- جهانی پور، یاسر (۱۳۸۴). خودسازی از نگاه امام خمینی و جمعی از عرفا. حضور، ۵۲. <https://ensani.ir/fa/article/54302>

- درخشان، زهره (۱۳۹۳). بررسی تهذیب نفس و روش خودسازی از منظر امام خمینی (ره). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.
- راز شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۶۳). *مناهج أنوار المعرفة فی شرح مصباح الشریعة*. تحقیق و تصحیح سید محمدجعفر باقری، تهران: خانقاه احمدی.
- سلمی، محمد بن حسین (۱۳۶۹). *مجموعه آثار ابو عبدالرحمن سلمی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سلمی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق). *تسعة كتب فی اصول التصوف و الزهد*. تصحیح سلیمان ابراهیم آتش، الناشر للطباعة و النشر و التوزیع و الاعلان.
- فرشادفر، عزت الله (۱۳۷۹). *خودمدیریتی و خودسازی در اندیشه امام خمینی (قدس سره)*. تهران: نشرعروج.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۳۷۴). *ترجمة رسالة قشیریة*. ترجمه ابوعلی حسین بن احمد عثمانی، تحقیق و تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- گروه معارف (تدوین) (۱۳۸۷). *تهذیب نفس و سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- Amoli, S.H. (2001). *Tafsir almuhit al aezam*. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance. [In Persian]
- Ardabili, S. A.G. (2006). *Imam Khomeinis philosophy lectures*. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. [In Persian]
- Department of Islamic studies (editing). (1973). *Resurrection from Imam Khomeini's point of view*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Derakhshan, Z. (2013). *Investigating self-improvement and self-improvement from the perspective of Imam Khomeini (RA)*. Master's thesis, Islamic Azad University, Yazd branch.
- Farshadfar, E. (2000). *Self-management and self-improvement in Imam Khomeini's thought*. Tehran: Orouj.

-
- Janipour, Y. (2004). Self-improvement from the perspective of Imam Khomeini and a group of mystics. *Hozour*, 52. <https://ensani.ir/fa/article/54302>
 - Khomeini, S. R. (1998). *Description of the soldiers of intellect and ignorance*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
 - Khomeini, S. R. (1953). *Etiquette of prayer*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
 - Khomeini, S. R. (1978). *Collection of Imams Works*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
 - Khomeini, S. R. (1993). *Misbah Alhadayt aly Alkhilafat w Alwalay*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
 - Khomeini, S. R. (1996). *Explanation of forty hadiths*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
 - Pazuki, M. (2015). Cultivation and self-improvement from the perspective of Imam Khomeini (RA). *Kayhan*, June 12, news code 76479. <https://kayhan.ir/fa/news/76479>
 - Qusheyri, A. (1995). *Translation of Risalih Kushiyyiyih*. Translation: Abu Ali Osmani, Proofreader: Badi Al-Zaman Foruzanfar, Tehran: Scientific and Cultural Publication. [In Persian]
 - RazShirazi, A. (1984). *Manahij 'Anwar Almaerifat fi Sharh Misbah Alsharyea*. corrector Seyyed Mohammad Jafar Bagheri, Tehran: Khanghah Ahmadi. [In Persian]
 - Solami, A. M. (1990). *Al-Salami's collection of works*. Tehran: Academic Publishing Center. [In Persian]

- Solami, A. M. (1993). *Nine books in the principles of Sufism and asceticism*, corrected by Suleiman Ibrahim Atash, Al-Nashr for printing, publishing, distribution and advertising. [In Persian]
- Tehrani, S. M. H. (2005). *Mehr Taban*. Mashhad: Noor Malakot Qur'an Publications. [In Persian]

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

